

فرمانده انتظامی مشهد از دستگیری زوج جوانی خبر داد که از عاملان اصلی سرقت های باتری خودرو در یکی از مناطق شهر مشهد بودند، سرهنگ اکبر آقا بیگی با اعلام این خبر گفت: در پی گزارش سرقت های باتری خودروهای سواری در محدوده خیابان شهید بهشتی و کوه سنگی مشهد، ماموران کلانتری جهاد، مرد ۲۹ ساله ای را دستگیر کردند که با همدستی همسر ۲۸ ساله اش به ۳۳ فقره سرقت قطعات خودرو اعتراف کرده است.

رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی تشریح کرد:

زوایای پنهان در پرونده «تلاقی آخرین نگاه!»

سید خلیل سجاد پور - با افشای زوایای پنهان دیگری از پرونده «جنایتی که دل ها را تکان داد» روند تحقیقات در این پرونده جنایی وار در مرحله ای جدید شد. رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی روز گذشته در تشریح جزئیات تازه ای از پرونده جوانی که مادرش را در مشهد به قتل رساند به خراسان گفت: کشف پرونده های جنایی در پلیس آگاهی از اهمیت ویژه ای برخوردار است چرا که قبل از متهم کردن یک فرد به جنایت که اتهام بسیار سنگینی است و متهم پرونده امکان دارد مدت ها در بازداشت بماند، باید از شیوه های تخصصی و پلیسی خاصی برای جمع آوری اسناد و مدارک مستند، بهره برد. به همین خاطر همواره ذهن کارآگاهانی که در این حوزه مشغول فعالیت هستند، در گیر موضوعات پیچیده پرونده هاست به طوری که گاهی حتی در نیمه های شب و برای یافتن سر نخ ای یک ماجرا روانه مقر انتظامی می شوند یا جلسات تجزیه و تحلیل های کارشناسی در ساعت های مختلف شبانه روز برگزار می شود. سرهنگ کارآگاه حسین بیات مختاری افزود: نمونه بارز این گونه فعالیت ها در کشف پرونده «قتل یک مادر به دست فرزندش» بود که با تیتراژ «تلاقی آخرین نگاه!» در روزنامه خراسان به چاپ رسید. این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: وقتی پرونده گزارش فقدان زن ۵۷ ساله ای به نام «فاطمه- الف» در تاریخ ششم آبان از کلانتری سیدی به پلیس آگاهی ارسال شد و کارآگاهان پای اظهارات مرد شاکی نشستند، در همان تحقیقات مقدماتی و در اولین جلسه کارشناسی مشخص شد که ماجرا جنایی است اما هیچ اثر و سرنخی از قتل وجود نداشت.

سرهنگ بیات مختاری اضافه کرد: روند تحقیقات و بررسی های دقیق برای جمع آوری اسناد و مدارک که قابل انکار نباشد، حدود دو ماه طول کشید تا این که کارآگاهان در کنار قاضی ویژه قتل عمد و بهره گیری از دستورات قضایی، موفق

شدند عامل این جنایت وحشتناک را با وجود برنامہ ریزی های دقیق متهم به قتل شناسایی کنند. وی با اشاره به سابقه اختلاس متهم خاطر نشان کرد: بررسی سوابق مرد ۳۸ ساله که به اتهام قتل مادرش در بازداشت به سرمی برد، بیانگر آن است که وی مدتی قبل به عنوان پیمانکار در یکی از مدیریت های شهری مشغول فعالیت بوده که پس از اختلاس مبلغ ۵۰ میلیون تومان روانه زندان شده است.



عکس ها از خراسان

رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی به ماجرای عجیب دیگری در تحقیقات این پرونده جنایی اشاره کرد و افزود: هنگامی که کارآگاهان به طور غیر محسوس و برای یافتن سر نخ ای از این پرونده جنایی، بررسی های خود را ادامه می دادند به ماجرای خرید یک واحد آپارتمان در بولوار شهید فکوری رسیدند که همسر متهم در اظهارات خود بیان کرده بود، «همسرم آپارتمان را با وام ۲۰۰ میلیونی که از بانک گرفت به نام من خریداری کرد» بنابراین کارآگاهان به این نتیجه رسیدند که احتمال دارد زن ۵۷ ساله در این منزل آپارتمانی به قتل رسیده یا در آن جا به گروگان گرفته شده باشد! به همین دلیل گروهی از کارآگاهان با همکاری همسر متهم به بولوار فکوری رفتند! همسر متهم در داخل خیابان، واحدی را در یک

اختصاصی خراسان



به گونه ای بود که متهم با دیدن آن ها در همان لحظات اولیه در شوک فرو رفت و به ناچار لب به اعتراف گشود چرا که اسناد کارآگاهان نشان می داد، متهم مذکور در همین مدت اندک و همزمان با سناریوی ساختگی گم شدن مادرش، همه لوازم منزل مقتوله را داخل اتاقی ریخته و همسرش را قانع کرده بود که در طبقه دوم منزل (محل سکونت مقتوله) زندگی کنند چرا که آن جابزرگ تر است و طبقه اول (منزل متهم) را به رهن و اجاره واگذار کرده بود که با مبلغ رهن مقداری از بدهکاری هایش را تسویه کند! سرهنگ مختاری گفت:

این ها از جمله مواردی بود که از چشمان تیز بین کارآگاهان دورنماند و به عنوان اسناد محکم به پسند در جریان بازجویی هامورد اسفاده قرار گرفت. رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی در پایان و با قدردانی از تلاش ها و دستورات قاضی احمدی نژاد (قاضی ویژه قتل عمد) و همه عواملی که در کشف این پرونده جنایی نقش داشتند، خاطر نشان کرد: شگردهای تخصصی، علمی و پلیسی زیادی در این گونه پرونده ها از سوی کارآگاهان مورد توجه قرار می گیرد که به خاطر رعایت مسائل ایمنی و امنیتی قابل افشانیستند ولی افرادی که فکرمی کنند بعد از ارتکاب جرم چنین و چنان بر نامه ریزی خواهند کرد که پلیس گمراه شود، بدانند، تجهیزات و امکانات و تخصص های پلیسی به اندازه ای است که حتی در تفکر مجرمان نمی گنجد و هیچ گاه راه گریزی نخواهند یافت بنابراین در لحظه تصمیم برای ارتکاب قتل یا جرایم دیگر به این موضوع توجه داشته باشند که تاکنون هیچ مجرمی برای همیشه نتوانسته است از چنگ قانون بگریزد. شایان ذکر است گزارش کامل این جنایت با عنوان (تلاقی آخرین نگاه!) روز گذشته در صفحه حوادث خراسان به چاپ رسیده است.

سرویس مدرسه در ارومیه دچار سانحه شد



شدند، اظهار کرد: این سرویس مدرسه حامل پنج دانش آموز دوره اول متوسطه بود. به گزارش ایرنا علت این حادثه هنوز اعلام نشده اما از سوی مسئولان در دست بررسی است.

۲۰۰ هزار لیتر سوخت قاچاق به مرزهای شرقی نرسید

خودروهای عبوری محور "انار- یزد" دو دستگاه تانکر را برای بررسی متوقف کردند. و در بازرسی از این دو تانکر در مجموع ۵۶ هزار لیتر گازوئیل قاچاق و فاقد هر گونه مجوز، کشف و در این زمینه دو نفر را دستگیر کردند.

مقام ارشد انتظامی کرمان همچنین از توقیف یک دستگاه کامیون کشنده در پوشش پودر ماشین لباسشویی و کشف ۳۶ هزار لیتر گازوئیل قاچاق در سیرجان خبر داد و اظهار کرد: ماموران مبارزه با قاچاق کالا و ارز پلیس آگاهی سیرجان حین کنترل خودروهای عبوری، در محور اصلی سیرجان - بندرعباس، به یک دستگاه کامیون کشنده مشکوک شدند و آن را متوقف کردند. وی گفت: ماموران پس از توقیف و در بازرسی از آن ۳۶ هزار لیتر گازوئیل قاچاق را کشف و در این باره دو متهم را دستگیر کردند.

وی یادآور شد: طی تحقیقات و بررسی های صورت گرفته ماموران، مشخص شد کامیون کشنده حامل بار نامه جعلی مواد پاک کننده بود. این گزارش حاکی است سرهنگ اکبر نجفی، فرمانده انتظامی شهرستان بزم گفت: تا نیروی انتظامی در مقابله با قاچاقچیان سوخت ۱۰۴ هزار لیتر گازوئیل را از دو دستگاه تریلر در بزم کشف و ضبط کرد.

فروشی انواع کت و شلوار با قیمت پارسال فقط ۹۹ هزار تومان
کت و شلوار ۹۹ تومان فعلا، شلوار ۳۹ تومان فعلا، مانتو ۶۹ تومان فعلا
بلوار پیروزی، بلوار رضوی، بین رضوی ۸ و ۱۰ فروشتگاه تولیدی بزرگ مهر ۰۹۱۵۴۷۷۲۳۸۲



۳۳ فقره سرقت باتری خودرو در کارنامه سپاه زن و شوهر جوان

حوادث | ۱۳

در امتداد تاریکی

به خودم دروغ می گفتم!

آن چه را درباره دخترم از دوستش شنیده بودم برابم باورپذیر نبود، هیچ گاه نمی توانستم به این سخنان وحشتناک توجه کنم ولی این موضوع مانند خوره ای به جانم افتاده بود و احتمال می دادم دختر ۱۵ ساله ام به خاطر لجبازی یا انتقام از ناپدری اش این ماجرای هولناک را مطرح کرده است تا این که یک روز با تماس همسایه خود را به منزل رساندم و ...

زن ۳۱ ساله در حالی که اشک های دخترش را پاک می کرد با بیان این که انگار به خودم هم دروغ می گفتم تا همه آن حرف ها را تهمت هایی زشت و ناروا بدانم به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری بختن مشهد گفت: پدر معتاد و بیکارم را در سن ۱۰ سالگی عروس کرد تا به قول معروف یک نان خور از ۱۴ عضو خانواده کم شده به خاطر این که مادرم بیمار بود و من به همراه ۱۱ خواهر و برادرم روزگار سختی را می گذراندم با وجود این همسر من نیز مردی معتاد، بداخلاق و پرخاشگر بود و به هر بهانه واهی مرا کتک می زد در حالی که من کودکی خردسال بودم و از مهارت های خانواده و همسر داری چیزی نمی دانستم. دخترم که به دنیا آمد مثل یک عروسک او را در آغوش می گرفتم و برایش لالایی می خواندم، انگار هنوز عروسک بازی می کردم اما با به دنیا آمدن پسرم اختلافات من و «قرباعلی» به اوج خود رسید به طوری که دیگر تحمل فحاشی و کتک کاری های همسر را نداشتم. آن قدر در شرایط سختی زندگی می کردم که به بیماری افسردگی دچار شدم و با تصمیمی احمقانه دست به خودسوزی زدم اما خوشبختانه قبل از آن که حادثه تلخی رخ دهد، زن همسایه به دادم رسید و نجات پیدا کردم. دیگر چاره ای جز طلاق برابم

نمانده بود به همین دلیل دخترم را به پدرش سپردم و خودم به همراه پسر خردسالم نزد مادر بزرگ رفتم. چندین ماه بعد زمانی که پسر کوچکم را به شهر بازی یکی از پارک های مشهد برده بودم با پسر مجردی به نام «فریدون» آشنا شدم که با دوستانش در پارک قدم می زد. مدتی بعد از این آشنایی و دیدارهای پنهانی، فریدون مرا که ۲۱ سال داشتم از مادر بزرگم خواستگار کرد، من که منتظر چنین لحظه ای بودم، نصیحت های مادر بزرگم را که می گفت عجولانه تصمیم نگیرم به هیچ وجه نمی شنیدم چرا که سال هامحروم بودن از مهر و عاطفه را در وجود فریدون جست و جومی کردم و به آینده نمی اندیشیدم. چند روز بعد از ثبت ازدواج مان و جاری شدن خطبه عقد تازه فهمیدم که او نه تنها به مواد مخدر اعتیاد دارد بلکه شب ها را نیز درون خودروی وانت پیکانی می خوابد که با آن کار می کند. من هم که نمی خواستم او را از دست بدهم، حاضر به زندگی داخل وانت شدم گاهی نیز در مناطق حاشیه شهر مجبور به کارتن خوابی بودیم تا این که به عنوان کارگر خدماتی در یک رستوران مشغول کار شدم که زندگی مان سر سامانی یابد. در این مدت پسرم را نیز به مادر بزرگم سپرده بودم. خلاصه مدتی بعد خانه ای را در حاشیه شهر اجاره کر دیم و من پسرم را نزد خود آوردم اما وضعیت همسرم هر روز بدتر می شد تا جایی که دیگر هزینه های اعتبار داش را نیز من تامین می کردم و او در خانه بیکار بود. ۱۰ سال از زندگی مشترکمان در حالی می گذشت که صاحب دو فرزند دیگر شده بودم و با ترغیب و تشویق همسرم مواد مخدر مصرف می کردم. در همین روزها بود که دخترم به خاطر اختلاف با نامادری اش نزد من آمد و گریه کنان خواست تا در کنار من زندگی کند. من هم که از دیدن نغمه ذوق زده شده بودم مسئولیت نگهداری از فرزندانم را به او سپردم تا با خیال راحت سر کار بروم. تا این که روزی از دوست نغمه شنیدم فریدون قصد دارد دخترم را مورد آزار قرار دهد ولی همسرم قسم خورد که این حرف ها تهمت است با وجود این روزی با تماس همسایه وقتی سراسیمه به خانه رسیدم که پلیس در محل بود ... تازه فهمیدم که وقتی دخترم را برای خروج بدون اجازه از منزل کتک می زدم او برای فرار از چنگ فریدون در حالی به خانه دوستش می رفت که همسرم مواد مخدر صنعتی مصرف کرده و ...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی